پرونده

در گفت‌وگوی «شرق» با سفیر پیشین ایران در ارمنستان و برزیل مطرح شد

برجام توان دیپلماتیک وزارت خارجه را گروگان گرفت

در گفت‌وگویی که «شرق» با سیدعلی سقائیان انجام داده است، محوریت بحث به چگونگی استفاده دولت رئیسی از روند بازگشت کشورهای همسایه برای ارتقای روابط با جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پارامترهای تقویت دیپلماسی منطقه‌ای دولت سیزدهم بازمی‌گردد. در ادامه گپ‌وگفت با این دیپلمات باسابقه کشور که در کارنامه خود سرکنسولگری ایران در کراچی پاکستان، کارداری در آرژانتین و نیجریه، سفیری ایران در تانزانیا و سفیری آکرودیته در مالاوی، سفیری ایران در ارمنستان و برزیل و نیز مدیرکلی امور تشریفات وزارت امور خارجه به‌ویژه در بازه زمانی مذاکرات برجام را ثبت کرده، به بررسی این مهم پرداخته‌ایم که اساسا اقتضائات سیاست داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در هشت سال دوره روحانی تا چه اندازه در ناکامی دولت سابق برای تعمیق روابط با همسایگان مؤثر بود و به موازاتش شرایط کنونی و پوست‌اندازی منطقه‌ای تا چه حد به دولت رئیسی در بهبود روابط با همسایگان کمک کرده است؟

◆ آن‌گونه که در مصاحبه قبلی با شما در روزنامه «شرق» مطرح شد، با توجه به امتیازات و برتری‌های ژئوپلیتیک ایران اساسا امکان حذف و انزوای دیپلماتیک جمهوری اسلامی در میان کشورهای همسایه وجود ندارد؛ چراکه ایران از یک سو عضو و بخشی کلیدی از خاورمیانه است و در سوی دیگر امتدادی از منطقه قفقاز و آسیای میانه هم به شمار می‌رود. حال باید پرسید که اگرچه حصر ژئوپلیتیک شاید غیرممکن جلوه کند؛ اما تا چه اندازه دولت‌ها در ایران با عدم تمرکز بر سیاست خارجی و روابط با همسایگان به نوعی بر انزوای دیپلماتیک تهران در منطقه دامن زده‌اند؟

اگر بخواهیم پاسخ به سؤال شما به‌طور مشخص به دولت حسن روحانی محدود کنیم، به نظر من در دولت یازدهم و دوازدهم آن تمرکز جدی که باید درباره سیاست خارجی منطقه‌ای و ارتقای روابط با همسایگان پی گرفته نشد؛ چراکه بیشترین تحرک و تمرکز دولت سابق بر مسئله مذاکرات هسته‌ای و حصول توافق بود. البته در ادامه با خروج ترامپ از برجام هم شرایط به سمتی پیش رفت که عملا مناسبات منطقه‌ای فدای تلاش‌ها برای احیای برجام شد. به‌هرحال دولت دوازدهم دوباره تمرکز خود را روی حصول توافق مجدد گذاشته بود. اگرچه برجام تا پایان دولت روحانی احیا نشد و مذاکرات به دولت سیزدهم هم کشیده شد؛ اما دولت رئیسی سعی کرد تمام تخم‌مرغ‌های سیاست خارجی به‌ویژه سیاست خارجی منطقه‌ای و روابط با همسایگان را در سبد مذاکرات هسته‌ای قرار ندهد و عملا همین کار را هم کرد؛ یعنی سعی شد به‌صورت موازی این دو مقوله سیاست خارجی یعنی سیاست خارجی منطقه‌ای و سیاست خارجی برجامی توأمان پی گرفته شود.

◆ اگرچه شما هم مانند دیگر منتقدان سیاست خارجی دولت روحانی بر مسئله برجام‌زده‌بودن سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم در ناکامی روحانی و ظریف برای ارتقای روابط با همسایگان تأکید دارید؛ اما قطعا شرایطی که در هشت سال دوره روحانی از سال ۹۲ تا ۱۴۰۰ بر سیاست داخلی، منطقه و جهان حاکم بود، سبب شد که دولت سابق در قیاس با دولت رئیسی به‌شدت بسته و محدود باشد. من در اینجا تأکیدی بر حمله یک جریان داخلی به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد دارم که نقطه عطفی در انزوای دیپلماتیک ایران بود؛ درصورتی‌که به نظر می‌رسد این طیف اکنون با روی‌کارآمدن دولت رئیسی کارشکنی‌های سابق را برای ارتقای روابط با همسایگان به‌خصوص حاشیه خلیج فارس کنار گذاشته‌اند و دولت سیزدهم دست به‌مراتب بازتری در این زمینه دارد؛ غیر از این است؟

نکته شما تا اندازه‌ای درست است. بله، من معتقدم حمله به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد یک گل به خودی بود؛ چون ما با این اقدام نسنجیده باعث شدیم که با دست خود یک برگ برنده را به عربستان سعودی بدهیم؛ یعنی یک تندروی بی‌مورد از سوی برخی از جریان‌های سیاسی در داخل کشور عملا امنیت و منافع ایران را در منطقه حساس خلیج فارس برای چند سال تحت‌الشعاع قرار داد. به‌هرحال این اتفاق سبب شد عربستان سعودی که به‌واسطه اعدام شیخ نمر باید پاسخ‌گو باشد، در مقام طلبکار از جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و توانست برخی دیگر از کشورهای منطقه را همسو با خود به قطع روابط و کاهش مناسبات با ایران ترغیب کند؛ کمااینکه حمله به سفارت انگلیس هم یک رفتار رادیکال و بدون منطق بود که تمام مقررات، قوانین و عرف دیپلماتیک و روابط بین‌الملل را زیر پا گذاشت و هزینه‌هایی را به کشور تحمیل کرد. البته مسئله حمله به سفارت انگلستان در دولت احمدی‌نژاد روی داد؛ اما آن حمله هم مانند حمله به سفارت عربستان در دوره روحانی برای ما هزینه‌های زیادی در پی داشت. بله، این دست رفتارها قطعا می‌تواند روی سیاست خارجی اثرات خود را داشته باشد. در بخش دیگری از سؤال‌تان به همراهی جریان داخلی با دولت سیزدهم در حوزه دیپلماسی منطقه‌ای اشاره داشتید. با اینکه من هم معتقدم فضای کنونی در داخل کشور در یک سال گذشته همراهی و حمایت بیشتری از دولت رئیسی در مقام قیاس با دولت روحانی دارد؛ اما نمی‌توان این واقعیت را هم نادیده گرفت که به‌هرحال دولت روحانی اساسا برنامه جدی را از همان ابتدای حیات دولت در سال ۹۲ برای مناسبات منطقه‌ای نداشت.

◆ یعنی شیخ دیپلمات صرفا بر توافق با آمریکا تمرکز کرده بود؟

بله. البته این چیزی نیست که فقط من بگویم، بلکه قاطبه بدنه کارشناسی و اکثر دیپلمات‌ها هم به آن معترف‌اند. به‌هرحال من در دوره آقای روحانی در وزارت امور خارجه حضور داشتم و از نزدیک می‌دیدم که برجام و مذاکرات هسته‌ای تا چه اندازه انرژی، ظرفیت و پتانسیل دیپلماتیک ایران را که حداقل بخشی از آن می‌توانست صرف تعمیق روابط با همسایگان شود، تحت‌الشعاع قرار داده بود.

◆ اما جناب سقائیان بسیار بعید به نظر می‌رسد که شیخ دیپلمات برای مناسبات منطقه‌ای ایران برنامه‌ای نداشته باشد؟

همان‌گونه که گفتم و دوباره تأکید می‌کنم من در زمان دولت روحانی در وزارت امور خارجه بودم و از نزدیک شاهد بوده‌ام که مذاکرات ما با اعضای ۵+۱ و برجام تا چه اندازه توان دیپلماتیک ما را به گروگان گرفت. شما به لقب آقای روحانی اشاره کردید؛ اتفاقا همین نکته شما مؤیدی بر تحلیل من است.

◆ چطور؟

چون بیشتر یا بگویم تمام تجربه دیپلماسی آقای روحانی که به شیخ دیپلمات معروف است، در حوزه مذاکرات هسته‌ای محدود و معطوف شده بود. به همین دلیل اساسا خاستگاه، نگاه و برنامه سیاست خارجی دولت روحانی بر گفت‌وگوهای هسته‌ای تمرکز داشت. در ضمن کافی است برای تأیید گفته‌های خودم به یک مسئله مهم اشاره کنم. ما در یک برهه بسیار مهم شاهد سفر رئیس‌جمهور چین آقای شی جین پینگ به ایران بودیم که یک فرصت بسیار مغتنم برای تقویت مناسبات تهران - پکن به‌خصوص در حوزه اقتصادی و تجاری بود، اما پاسخی که چینی‌ها از رفتار دولت روحانی گرفتند، چندان باب میل پکن نبود و پس از تلاش‌های بسیار زیادی که صرفا محدود به دولت روحانی نمی‌شود بلکه در کل بدنه حاکمیت در دستور کار قرار گرفته بود، نهایتا جمهوری اسلامی ایران قرارداد ۲۵ ساله راهبردی را با طرف چینی به امضا رساند. در صورتی که اگر دولت‌های یازدهم و دوازدهم برنامه جدی برای مناسبات منطقه‌ای وجود داشت، هیچ‌گاه روابط با این کشورها فدای دیپلماسی برجامی نمی‌شد.

◆ به این سؤال هم بپردازیم که اگرچه شما و دیگر کارشناسان هم‌نظر با شما به مسئله برجام‌زده‌بودن سیاست خارجی دولت روحانی و تأثیر مخرب آن بر دیپلماسی منطقه‌ای تأکید دارید اما در مقابل بسیاری معتقدند عملکرد دولت‌های نهم و دهم احمدی‌نژاد عملا شرایطی را رقم زده بود که هرگونه تحرک دیپلماتیک درخصوص ارتقای روابط با همسایگان باید به بعد از رفع چالش‌های ایران با غرب در سایه برجام موکول می‌شد. شما تا چه حد این گزاره را نزدیک به واقعیت می‌دانید؟

من این نگاه را قبول ندارم، چون دولت روحانی می‌توانست به شکل موازی و هم‌زمان سیاست خارجی منطقه‌ای و ارتقای روابط با همسایگان را با مذاکرات هسته‌ای در قالب گفت‌وگو با ۵+۱ پیش ببرد، کاری که اکنون دولت رئیسی به شکل جدی در دستور کار قرار داده است. دولت سیزدهم هر دو بُعد دیپلماسی برجامی و منطقه‌ای را به شکل متوازن و هم‌زمان پیش می‌برد، به‌گونه‌ای که هیچ‌کدام بر دیگری سایه نمی‌اندازد، اما دولت روحانی با وجود آنکه مشکلات و چالش‌هایی در حوزه سیاست خارجی از دولت قبل (احمدی‌نژاد) وجود داشت، اما می‌توانست ارتقای روابط با همسایگان را فدای دیپلماسی برجامی نکند. درصورتی‌که اتفاقا عکس آن را شاهد بودیم. روحانی آن‌قدر به برجام پرداخت و تصور داشت که با حل مشکلات با غرب می‌تواند موتور دیپلماسی منطقه‌ای را روشن کند که عملا همه همسایگان در حاشیه قرار گرفتند. به همین دلیل بود که زمانی که دولت روحانی در یک بازگشت دیرهنگام به عقب و تلاش برای بازتعریف روابط با همسایگان گام برداشت، نتوانست کاری از پیش ببرد؛ کمااینکه پیشنهاد دکتر ظریف برای تشکیل یک سازوکار امنیتی مشترک در منطقه حاشیه خلیج فارس با واکنش منفی همسایگان مواجه شد. پس اگر از همان ابتدا دولت روحانی ارتقای روابط با همسایگان را کلید می‌زد، بی‌شک چه با برجام و چه بدون برجام روابط حفظ می‌شد. البته شکل‌گیری برجام هم می‌توانست به‌عنوان کاتالیزوری، سیاست خارجی منطقه‌ای را به شکل چشمگیری به پیش ببرد.

◆ روی شخص حسین امیرعبداللهیان تمرکز کنیم. زمانی که حسین امیرعبداللهیان به‌عنوان معاون عربی - آفریقایی وزارت امور خارجه در وزارت امور خارجه دولت روحانی آغازبه‌کار کرد، با واکنش کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مواجه شد تا جایی که ظریف مجبور به کنارگذاشتن او شد که همین مسئله به انتقادهای طیفی در داخل علیه ظریف دامن زد و به تبع آن امیرعبداللهیان هم از پذیرش سفیری ایران در عمان خودداری کرد. حال باید پرسید چرا اکنون که امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه دولت رئیسی شده است، همین کشورهای حاشیه خلیج فارس به شکل پررنگ‌تری خواهان ارتقای روابط با تهران هستند؟ کما اینکه ریاض در سایه نشست بغداد به دنبال احیای مناسبات با ایران است. در کنارش شاهد درخواست اردن و مصر برای ازسرگیری روابط با جمهوری اسلامی هستیم. مضافا امارات متحده عربی هم تصمیم به بازگرداندن سفیر خود به تهران گرفته و کویت هم ارتقای روابط را در دستور کار دارد؟

من قائل به این نیستم که موفقیت یا عدم موفقیت یک دولت، چه در دوره روحانی و چه در دولت رئیسی یا هر دولت دیگری به حضور یا عدم حضور یک فرد منوط شود. به‌هرحال آقای ظریف به‌عنوان وزیر امور خارجه این اختیار را داشت که افرادی را برای معاونت‌ها و سایر قسمت‌های دستگاه دیپلماسی انتخاب کند، کمااینکه در یک برهه آقای امیرعبداللهیان در وزارت امور خارجه، معاونت عربی - آفریقایی را تا سال ۹۵ بر عهده داشتند و بعد از آن هم آقای جابرانصاری روی کار آمدند که اتفاقا تمرکز جدی بر مسئله جنگ سوریه و تشکیل فرایند و روند آستانه داشتند. بنابراین همان‌گونه که قبلا گفتم و دوباره تأکید می‌کنم، اساسا مسئله‌ای که باعث شده بود دیپلماسی منطقه‌ای در دولت یازدهم و دوازدهم دچار افول شود، به نبود اراده جدی و فقدان برنامه برای تحقق مناسبات منطقه‌ای بازمی‌گشت. از ابتدا همه چیز دولت روحانی روی مذاکرات با ۵+۱ و توافق با آمریکا برنامه‌ریزی شد و زمانی که ترامپ همه برنامه‌ها را به هم زد، دیگر برای دولت روحانی دیر شده بود که بخواهد روابط با همسایگان را ترمیم کند. چون خود دونالد ترامپ یکی از عوامل مؤثری بود که توانست همسایگان را به شکل جدی در مقابل ایران قرار دهد. درصورتی‌که اگر از همان ابتدا دولت روحانی روابط با همسایگان را تقویت می‌کرد دونالد ترامپ در این زمینه موفق نمی‌شد. پس نمی‌توانیم این‌گونه قلمداد کنیم که حضور یا عدم حضور فردی مانند حسین امیرعبداللهیان در وزارت امور خارجه شرایط را برای ارتقای روابط با همسایگان در دولت رئیسی رقم زده است، نکته اساسی به این بازمی‌گردد که دولت سیزدهم تمرکز جدی و برنامه دقیق و مدونی برای دیپلماسی منطقه‌ای دارد و حسین امیرعبداللهیان هم به‌عنوان وزیر امور خارجه بخشی از پیشبرد این دیپلماسی منطقه‌ای را برعهده دارد و تنها سهم خود را ایفا می‌کند. پس مطمئن باشید اگر آقای امیرعبداللهیان به‌عنوان وزیر امور خارجه دولت رئیسی نبودند و فرد دیگری هم حضور داشتند، دیپلماسی منطقه‌ای ایران در این یک سال با این رشد و ارتقای چشمگیر همراه می‌بود.

◆ این پاسخ شما سؤال مهم‌تری را به ذهن متبادر می‌کند که آیا بازگشت همسایگان به‌خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس به سمت ارتقای روابط با همسایگان در دولت رئیسی به‌واسطه فرسایشی‌شدن جنگ نیابتی و هزینه‌های فراوان اقتصادی، سیاسی، امنیتی، دیپلماتیک، دفاعی، نظامی و انسانی برای همه طرفین نیست؟ آیا کشورهای منطقه پس از یک دوره حدودا یک‌دهه‌ای که تجربه جنگ داخلی سوریه، ظهور داعش و جنگ یمن را از سر گذرانده، اکنون به یک نقطه‌ای برای رجعت به مدیریت شرایط از طریق سیاسی و دیپلماتیک نرسیده و این اقبال نیک دولت رئیسی است که روی‌کارآمدنش با این دوره هم‌زمان شده است. بنابراین در سایه این نکته بسیاری معتقدند که اگر دولت روحانی یک دوره دیگر هم روی کار می‌بود، روابط منطقه‌ای ایران همین‌گونه احیا می‌شد؟

من با بخشی از سؤال شما مخالفم که ارتقای مناسبات منطقه‌ای به خوش‌شانسی آقای رئیسی گره زده شود. چون در علم سیاست و دیپلماسی چیزی به نام خوش‌شانسی وجود ندارد. ما باید شانس را با یک برنامه‌ریزی و اراده جدی در حوزه تحرکات دیپلماتیک برای خود تعریف کنیم و آن را به دست بیاوریم. زمانی که دولت رئیسی از روز اول آغاز به کار خود سیاست خارجی را بر مبنای تعمیق روابط با همسایگان و تقویت دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار داده است، قطعا بیشترین تمرکز و برنامه را در این راستا داشته و آن را پیگیری کرده است که نتیجه آن در این یک سال کاملا قابل مشاهده است. این مسئله ربطی به شانس یا به قول شما رجعت کشورهای همسایه برای برقراری روابط با ایران با هدف مدیریت فضا پس از یک دوره تنش ۱۰ساله در منطقه نیست. چون اگر حتی این فرض شما را هم درست بدانیم، زمانی که یک دولت برنامه‌ریزی برای این دوره گذار نداشته باشد و نتواند از تصمیم کشورهای منطقه برای احیای روابط با جمهوری اسلامی ایران به نحو احسن استفاده کند، نهایتا اتفاقی روی می‌دهد که در دولت سابق به وقوع پیوست و سیاست خارجی منطقه‌ای ما با رشد و پیشرفت چندان زیادی همراه نبود. اما زمانی که دولت سیزدهم این مسئله را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است، بدون شک از هرگونه فضا و بستر مثبت و مناسبی برای ارتقای روابط با همسایگان نهایت استفاده را خواهد برد. البته این مسئله فقط به کشورهای حاشیه خلیج فارس هم محدود نمی‌شود. نباید و نمی‌توان مسئله را صرفا به امارات متحده عربی، عربستان، کویت یا کشورهای فرامنطقه‌ای مانند اردن و مصر تقلیل بدهیم. چون انصافا دولت رئیسی در ارتقای روابط با همسایگان ما در شرق کشور و آسیای میانه و هم در همسایگان شمال و منطقه قفقاز هم فعالیت و تحرکات جدی را از خود نشان داده است. سفر به تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و برنامه‌های جدی برای کشورهای حوزه خزر، تحقق سوآپ گازی با ترکمنستان و روسیه، تلاش عملی در وزارت امور خارجه، وزارت راه و وزارت اقتصاد برای اجرای کریدور شمال - جنوب و حتی کریدور شرق - غرب و ... نشان می‌دهد که مسئله نمی‌تواند به اقبال دولت رئیسی محدود شود. چون سیاست خارجی منطقه‌ای دولت سیزدهم صرفا به کشورهای حاشیه خلیج فارس و کشورهای عربی خاورمیانه محدود و محصور نمی‌شود؛ بله این کشورها هم به اندازه خود مهم هستند و باید برای احیا و ارتقای روابط با آنها گام‌های مهمی برداشت. اما این کشورها همه همسایگان ایران نیستند. ما باید برای ترکیه، آذربایجان، ارمنستان، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و حتی کشورهای فرامنطقه‌ای مانند هندوستان، روسیه و ... هم برنامه‌ریزی جدی داشته باشیم و انصافا دولت رئیسی در این یک سال برای آنها هم به‌صورت تک به تک و موردی برنامه‌ریزی کرده است تا بتواند علاوه بر ارتقای روابط سیاسی دوجانبه و تقویت دیپلماسی، مناسبات تجاری را هم به شکل چشمگیری افزایش دهد. اینها علاوه بر آن است که دولت سیزدهم سعی کرده است در پیمان‌های منطقه‌ای مانند پیمان اکو، شانگهای، آسه‌آن و ... حضوری پررنگ‌تر از قبل داشته باشد و حتی نیم‌نگاهی هم به حضور در دیگر پیمان‌های مهم اقتصادی جهانی مانند بریکس دارد. این نشان می‌دهد که دولت سیزدهم در این یک سال به خوش‌شانسی اکتفا نکرده و نمی‌کند بلکه برای ارتقای روابط با همسایگان و رشد و توسعه دیپلماسی منطقه‌ای برنامه‌های جدی دارد که طی ماه‌ها و سال‌های پیش‌رو به شکل جدی‌تری خود را نشان خواهد داد.

◆ «برجام‌زده» بودن سیاست خارجی دولت روحانی نکته کلیدی و مشترک تمام کارشناسان، تحلیلگران و صاحب‌نظران حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است که بیشتر دیپلمات‌ها هم به این مسئله اذعان دارند، اما اگر بخواهیم در همین رابطه فصل جدیدی را باز کنیم، به نظر می‌رسد بدنه سیاست خارجی و شاکله مدیریتی وزارت امور خارجه هم عملا با نقصان مواجه است؛ چراکه ساختار کنونی در دستگاه دیپلماسی تأمین‌کننده اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص در حوزه سیاست خارجی منطقه‌ای و روابط با همسایگان نیست. بسیاری معتقدند چون در دولت روحانی و همچنین در دولت رئیسی، مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای همان معاون سیاسی وزیر امور خارجه است، خواه‌ناخواه بیشترین تمرکز روی مذاکرات وین و احیای برجام گذاشته خواهد شد و به همان میزان تمرکز لازم برای پیگیری روابط و مناسبات با دیگر کشورها به خصوص کشورهای همسایه که از حوزه‌های کاری معاون سیاسی است به حاشیه خواهد رفت. آیا این نقیصه دستگاه سیاست خارجی را قبول دارید؟

نکاتی که شما عنوان داشتید تا اندازه بسیار زیادی می‌تواند در تحلیل چرایی ناکامی دولت روحانی برای بهبود و ارتقای روابط با همسایگان و سیاست خارجی منطقه‌ای درست باشد، اما نکته اینجاست همان‌گونه که آقای عراقچی به‌عنوان معاون سیاسی وزارت امور خارجه دولت روحانی علاوه بر پرونده هسته‌ای و برجام می‌توانست روابط منطقه‌ای ایران را ارتقا دهد، اما نتوانست تمرکز و وزن‌دهی لازم به این دو بخش را داشته باشد، مشابه همین شرایط برای دولت رئیسی هم وجود دارد. با این‌حال دولت سیزدهم توانسته است مناسبات منطقه‌ای و روابط با همسایگان را در این یک سال به شکل چشمگیری بهبود بخشد. این نشان می‌دهد که مسئله صرفا به تمرکز معاون سیاسی وزارت امور خارجه بر پرونده هسته‌ای بازنمی‌گردد بلکه باید کل شاکله و بدنه وزارت امور خارجه و همچنین دولت و رئیس‌جمهور برنامه و اراده جدی برای بهبود روابط با همسایگان و ارتقای سیاست خارجی منطقه ایران را در دستور کار خود قرار دهند. این نکته‌ای بود که به نظر می‌رسد در دولت یازدهم و دوازدهم فقدان آن بیش از پیش احساس می‌شد. درصورتی‌که دولت سیزدهم سعی دارد با وجود آنکه معاون سیاسی بیشترین تمرکز خود را روی مسئله مذاکرات هسته‌ای گذاشته است، از «برجامیزه» کردن سیاست خارجی به‌خصوص سیاست خارجی منطقه‌ای و روابط با همسایگان پرهیز کند. به همین دلیل است که اعتقاد دارم دولت رئیسی تلاش کرده است تفکیکی بین سیاست خارجی منطقه‌ای و سیاست خارجی برجام ایجاد کند و هیچ‌کدام را فدای دیگری نکند. اگر شما به پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری هم نگاه کنید، شعار اصلی سیدابراهیم رئیسی در حوزه سیاست خارجی دولت بر تقویت سیاست خارجی منطقه‌ای و ارتقای روابط با همسایگان تمرکز داشت. بعد از آنکه دولت تشکیل شد در راستای همین شعار کل بدنه وزارت امور خارجه، نه صرفا معاون سیاسی وارد گود شدند و به شکلی منسجم و هماهنگ سعی کرده‌اند روابط منطقه‌ای و مناسبات ما با همسایگان را دچار تحول بنیادین کنند و به نظر من در این یک سال کارنامه قابل‌قبولی ارائه شده است.

◆ به کل شاکله و ساختار دولت در حوزه سیاست خارجی منطقه‌ای و روابط با همسایگان اشاره داشتید. شما به‌عنوان یکی از دیپلمات‌های باسابقه تا چه اندازه ساختار مدیریتی کل دولت را تأمین‌کننده منافع و اهداف ایران در مناسبات منطقه‌ای و پیرامونی می‌دانید؟ چون بسیاری تأکید دارند برای بهبود سیاست خارجی منطقه‌ای باید نهاد ریاست‌جمهوری برای برخی کشورهای کلیدی منطقه‌ای مانند حوزه قفقاز و... دستیارهای ویژه‌ای را تعریف کند، همان‌گونه که مثلا برای افغانستان یک دستیار ویژه رئیس‌جمهور تعریف شده است. آیا تغییر ساختار نهاد ریاست‌جمهوری و ایجاد چنین دستیارهای ویژه‌ای را در تقویت دیپلماسی منطقه‌ای ایران مؤثر می‌دانید؟

بدون شک این نکته بی‌تأثیر نیست. چون سیاست خارجی منطقه‌ای و ارتقای روابط با همسایگان مسئله‌ای نیست که فقط محدود به وزارت امور خارجه باشد. باید سایر دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها و کل دولت در این راستا به همدیگر کمک کنند. اتفاقا یکی از مهم‌ترین کمک‌هایی که دولت و به‌خصوص نهاد ریاست‌جمهوری می‌تواند به بهبود سیاست خارجی منطقه‌ای ایران بکند، ایجاد همین دستیارهای ویژه برای برخی از کشورهای پیرامونی ایران است. یعنی همان‌گونه که ریاست‌جمهوری دستیار ویژه‌ای را برای امور افغانستان تعریف کرده است، باید مشابه آن برای قفقاز و برخی کشورهای کلیدی تعریف شود تا شخص رئیس‌جمهور که رئیس شورای عالی امنیت ملی هم هست، بتواند به شکل مستقیم درگیر حوزه‌های حساس پیرامونی ایران شود و برای آن راهکار، برنامه و دستور کار تعریف، تبیین و تدوین کند و آن را به بدنه دولت از وزارت امور خارجه تا سایر وزارتخانه‌ها برای اجرائی‌شدن تکلیف کند.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی
اداره کل راه و شهرسازی شرق استان سمنان

مزایده عمومی فروش واجاره املاک واراضی شماره ۲
مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۰

شناسه آگهی ۱۳۷۳۹۸۷

اداره کل راه و شهرسازی شرق استان سمنان به نمایندگی از سازمان ملی زمین و مسکن، در نظر دارد املاک و مستقلات تحت اختیار خود را از طریق مزایده عمومی با جزئیات مندرج در اسناد مزایده و با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (Setadiran.ir) به صورت الکترونیکی واگذار و یا به فروش رساند

تاریخ انتشار: آگهی از۱۴۰۱/۰۶/۱۰_**مهلت دریافت اسناد مزایده:** تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۰
مهلت ارسال پیشنهاد: از تاریخ :۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۰_ **تاریخ بازگشایی:** ۱۴۰۱/۰۶/۳۱
ضمنا با توجه به اینکه در سامانه تدارکات الکترونیکی حین مزایده امکان تغییر مهلت های تعیین شده فوق وجود دارد لذا ملاک عمل زمان نهایی تعیین شده در سامانه می باشد.

ردیف	پلاک	نوع کاربری	مساحت / متر مربع	قیمت هر متر مربع (کارشناسی)ریال	قیمت کل(ریال)	آدرس
۱	قسمتی ازپلاک ۱۸۱	انبار	۱۲۵۰	۵۰۰۰۰۰۰	۶۲۵۰۰۰۰۰۰۰	شاهرودخیابان تهران روبروی دانشگاه آزاداسلامی جنب پردیس دانشگاه صنعتی
۲	۴۲۰۸/۳۸۵	مسکونی	۱۵۳۷۴/۳۰	عرصه و اعیان	اعیان ۱۴۳۰۰۰۰۰۰۰ عرصه ۹۳۰۱۴۵۱۵۰۰۰ قیمت کل ۹۴۴۴۵۱۵۰۰۰	شاهرود – شهرک فدک - جنب پروژه سرند گلوبال
۳	۴۲۰۸/۳۸۶	مسکونی	۱۰۰۸۱/۱۹	عرصه و اعیان	اعیان ۸۸۰۰۰۰۰۰۰ عرصه۶۲۱۰۰۱۳۰۴۰۰ ارزش کل ششدانگ ۶۲۹۸۰۱۳۰۴۰۰	شاهرود – شهرک فدک - جنب پروژه سرند گلوبال
۴	۴۲۰۸/۱۲۱	مسکونی	عرصه ۲۳۰/۴۰ اعیان ۱۰۵	عرصه۴۶۰۰۰۰۰۰۰ اعیان ۱۲۰۰۰۰۰۰	عرصه۱۰۵۹۸۴۰۰۰۰۰ اعیان۱۲۶۰۰۰۰۰۰۰ ارزش کل ششدانگ با امتیازات آب و برق و گاز ۱۱۹۲۹۴۰۰۰۰۰	شاهرود خیابان تهران روبه روی ذوب آهن
۵	قسمتی ازپلاک ۴ اصلی	خدماتی رفاهی	۱۰۰۰۰	اجاره داری ماهانه ۱۵۰۰۰۰۰۰	اجاره داری سالیانه ۱۸۰۰۰۰۰۰۰	شاهرود حاشیه محور میامی - ضلع شمالی انبار سیلوی گندم
۶	۱۶واحد اسکلت نیمه کاره پروژه مسکن مهرپلاک ۴۲۳۹/۵۲۶۷/۵۵۰۱	مسکونی	۱۰۰۰ مترمربع اعیان ۱۳۶۲ مترمربع	۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ارزش کل عرصه و اعیان ۳۸۸۱۳۶۰۰۰۰۰	۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ارزش کل عرصه و اعیان ۳۸۸۱۳۶۰۰۰۰۰	شاهرود - شهرک کوثر خیابان اقبال لاهوری

رعایت موارد ذیل الزامی است:
۱–برگزاری مزایده صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام می گیرد و کلیه مراحل فرایند مزایده، شامل خرید و دریافت اسناد مزایده، پرداخت تضمین شرکت در مزایده(ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده گران محترم از این طریق امکان پذیر می باشد.
۲–درمورد بند ۶ و۳ و۲ مزایده به صورت پروژه انبوه سازی بوده و مبلغ آن به صورت عرصه و اعیان که ۳۰ درصد آن نقدی و الباقی آن طی اقساط ۳ ساله با سر رسید ۶ ماهه می باشد.
۳–در مورد بند ۱ و ۵ مزایده ، مزایده گران می بایست مجوز رسمی از مراجع ذیصلاح با کاربری های مربوطه ارائه نمایند در غیر اینصورت به پیشنهاد آنان رسیدگی نخواهد شد.
۴–کلیه اطلاعات املاک و مستغلات (مشخصات، شرایط و نحوه واگذاری فروش) در سامانه مزایده قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می باشد.
۵– علاقه مندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی(توکن) با شماره های زیر تماس حاصل نمایند:
مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه:۴۱۹۳۴-۰۲۱
اطلاعات تماس دفتر ثبت نام سایر استان ها در سایت سامانه(www.setadiran.ir) با "ثبت نام/پروفایل مزایده گر" موجود است.
شرایط و مدارک لازم جهت شرکت در مزایده: ۱.رعایت شرایط مزایده بر اساس اطلاعات منتشرشده در سامانه الزامی می باشد. ۲.لازم است متقاضیان اسناد ومدارک خود را به همراه اصل چک تضمینی بانکی یا اصل فیش واریزی بابت تضمین شرکت در مزایده یک روز قبل از زمان بازگشایی پیشنهادات تحویل دبیرخانه اداره کل راه و شهرسازی شرق استان سمنان (شاهرود)نمایند. ۳.لازم است فرم های شرکت در مزایده توسط متقاضیان تکمیل و امضا گردد. ۴.پیشنهاد دهندگان می بایست تصویر فیش واریزی و یا چک تضمینی را به عنوان پاکت الف در سامانه بارگذاری نمایند (فیش واریزی بایستی قسمت واریز کننده صرفا به نام شرکت کننده در مزایده باشد . ۵. **تذکرمهم :** ارایه هرگونه چک اعم از شخصی به عنوان تضمین شرکت در مزایده مورد قبول نمی باشد ۶. تصویر اساسنامه وآگهی تاسیس در روزنامه رسمی وآخرین تغییرات برای اشخاص حقوقی ۷. امضاء ومهر فرم شرایط مزایده ۸. مبلغ تضمین به صورت وجه نقد در قالب فیش واریزی به شماره حساب ۴۰۰۱۰۳۷۱۰۶۳۷۲۷۷۷ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام تمرکز وجوه سپرده ارائه گردد.
کدپستی: ۳۶۱۶۷۹۸۵۸۴_ **شماره ملی دستگاه:**۱۴۰۰۲۶۲۴۲۱۴ _ **کداقتصادی:** ۴۱۱۳۹۳۱۶۷۷۳۵
متقاضیان محترم در مزایده لازم است پنج درصد قیمت پایه را به صورت وجه نقد در قالب فیش به شماره حساب۴۰۰۱۰۳۷۱۰۶۳۷۲۷۷۷ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام تمرکز وجوه سپرده واریز نمایند. (در صورت برنده نشدن حداقل ۴۵ روز بعد مبلغ تضمین به حساب مزایده گر باز می گردد)

روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی شرق استان سمنان (شاهرود)